



●● مهندس سعید شریعتمداری

مسیر برنامه های ورزشی تلویزیون ایران:

کژراهه ایکه به بن بست منتهی گردید “قهرمان سالاری افیون جوامع فقیر”

قلیل و در حال نقصان از جمعیت کشور مترکم می باشد. لذا این گونه عملکرد سیستم ورزش با نوعی دوپینگ، فعالیت های قهرمانی را به روش های گلابادیاتوری نیز نزدیک می نماید. در این شرایط اخلاق در ورزش نیز قربانی می شود. غم انگیزتر اینکه: این سیستم بیشترین قربانیان را از بین خود قهرمانان می گیرد. به گونه ای که: این افراد پس از طی دوران کوتاه قهرمانی و خارج شدن از فضای تبلیغاتی آن، دچار افت شدید روحی می شوند. حتی در مواردی دیده شده است که متاسفانه بعضی قهرمانان در سال های بعد از قهرمانی به دامن اعتیاد به مواد مخدر نیز افتاده اند. در واقع این گلابادیاتورها تاوان توجه مجازی و غیرمتعارف جامعه به خودشان را به تدریج تا آخر عمر پس خواهند داد. البته بدیهی است که این پدیده زیان آور در کشورهای پیشرفته این گونه شکل نمی گیرد.

نقش تخریبی تلویزیون تخدیری آن در ورزش

برخلاف تصور بسیاری نقش تفریحی تلویزیون در کشورهای پیشرفته امروزی، در مقایسه با نقش اصلی این رسانه در توسعه اهداف فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و سیاست گذاری

منطقی در این ممالک، از الویت کمتری برخوردار است. منطق حکم می نماید که: در کشورهای فقیر و در حال توسعه، برای جبران عقب افتادگی ها، نقش تفریحی تلویزیون در مقابل اهداف اساسی آن کم رنگ تر نیز باشد. در ایران متاسفانه در بسیاری از موارد تلویزیون نه تنها نقش سازنده ای در بهبود امور اجتماعی و رفع معضلات جامعه بازی نمی کند، بلکه

قهرمانی در مملکت ما کارساز نمی باشند. بنابراین در حالی که در گوشه هایی از مملکت امکانات زندگی مردم کمتر از حد یک چادر نشین است، در شهرهای بزرگ با صرف منابع عظیم مالی و در گرداب این سیستم معیوب و تقلیدی، افکار عمومی و اذهان افراد نسبتاً مرفه و تحصیل کرده از توجه به مسایل حیاتی کشور منحرف شده و به طور غیرمنطقی به طرف جاروجنگال های ورزش قهرمانی سوق داده می شوند.

وقتی در جوانی در دانشگاه تحصیل می کردم به عنوان یک فوتبالیست رده حرفه ای نیز فعالیت می نمودم. قریب ۴۰ سال پیش، بعد از فارغ التحصیلی و خدمت نظام وظیفه، خیلی زود به این نتیجه رسیدم که آن گونه فعالیت های قهرمانی و جاروجنگال های تبلیغاتی، برای خودم و برای جامعه مفید نیستند. بعد از انقلاب در ایران و شروع دهه ۶۰ شمسی، برای اجرای شبکه برق رسانی روستاهای منطقه نماشیر مدتی در مناطق



البته این توجه غیرمتعارف و غیرعقلایی به ورزش قهرمانی، به بدنه فعالیت های ورزش همگانی نیز لطمه زده است. بنابراین در حالی که در بعضی رشته های ورزشی قهرمانان ما دارای مدال های جهانی و المپیک هستند، اکثریت مردم مملکت ما حتی جوانان هیچ فعالیت ورزشی، را به طور منظم پی گیری نمی کنند. در واقع چگالی فعالیت های ورزشی روی در صدی

بسیار محروم جنوب شرقی ایران زندگی کردم. در آنجا بود که یکبار دیگر عقاید جوانیم در مورد ضررهای اجتماعی این گونه ورزش قهرمانی برای کل مملکت در ذهنم پررنگ شد. دیگر برایم محقق شد که با این همه اختلاف طبقاتی و تفاوت سطح زندگی که در این مملکت وجود دارد، در این مقطع زمانی بسیاری از الگوهای زندگی غربی مانند نحوه فعالیت های ورزش

در مواردی مثل ورزش نیز این نقش صرفاً تفریحی، تخریبی و تخریبی می‌باشد. در این راستا تلویزیون به جای کمک در ایجاد عزم ملی برای رفع تنگناهای اساسی ورزش، ضمن ارائه برنامه‌های سطحی و پیش پا افتاده داخلی، قسمت اعظم توان خود را در راه تهیه برنامه‌های تبلیغاتی از فعالیت‌های ورزشی (خصوصاً فوتبال) در کشورهای خارجی صرف می‌نماید. البته این برنامه‌های تفریحی و بی‌حاصل برای مملکت، با رنگ و بوی قهرمان سالاری و الگوبرستی خارجیان،

چشم دوستان. چرا که در واقع تلویزیون ایران بعد از سرنگونی رژیم شاه، به جای اینکه دانشگاه انسان سازی باشد در اثر ضعف مدیریت ملت ما را به تدریج از مسیر مطلوب اصلاحات انقلابی، مجدداً به میان مردابی عمیق تر کشانید. آثار منفی و مخرب عملکرد نامناسب سازمان تلویزیون در زمینه برنامه‌های ورزشی خصوصاً برنامه‌های ورزش فوتبال قهرمانی مشهودتر نیز می‌باشد. در واقع در طول این سال‌ها با توجه به شرایط بسته مملکت و نقش پررنگی که

مملکت ما جرائم بسیار سنگین و حتی جنایی در این محدوده، با تردستی دست اندرکاران ورزش و در جلوی دوربین‌های تلویزیونی استادانه رفع و رجوع و به فراموشی سپرده می‌شوند. لذا در این شرایط اگر یک مرجع بی‌طرف بین‌المللی با معیارهای جهانی موسسات و دست‌اندرکاران فوتبال قهرمانی مملکت ما را مورد قضاوت و ارزیابی قرار دهد، بی‌تردید حکم عادلانه تعطیلی کل این فعالیت‌ها را تجویز خواهد نمود. جالب اینجاست که: در این شلوغ بازار به وجود آمده مسئولین و مجریان برنامه‌های ورزشی تلویزیون در جایگاه مقصر اصلی، در انتهای مسیر به بن بست رسیده سرسختانه با همان جهت‌گیری‌های قبلی و ادامه کجروی، پیشانی خود را برای فرار از بن بست به دیوار می‌کوبند.

یکی بر سر شاخ و بن می‌برید.

تهیه‌کنندگان این برنامه‌ها این بار نیز افرادی از جنس حافظه‌های حراف هستند کسانی که ذهن خود را از اطلاعات و آمار و ارقام کم ارزش و در مواردی بی‌ارزش پر کرده‌اند. اطلاعاتی از قبیل اسم و مشخصات بازیکنان و مربیان ریز و درشت ایرانی و خارجی، تاریخ و نتایج مسابقات مهم و پیش پا افتاده در ادوار گذشته، سوابق باشگاهها و رؤسای آنها در داخل و خارج مملکت، خاطرات کم ارزش ورزشی و ورزشکاران و هزاران اطلاعات بی حاصل دیگر که ذکر این گونه اطلاعات در برنامه‌های ورزشی پر هزینه تلویزیونی دردی از مشکلات عیدیه ورزش مملکت ما را دوا نمی‌کنند. در واقع فشار غیرمنطقی که این حضرات به عنوان حلقه مدیریتی تهیه برنامه‌های ورزشی تلویزیون به طور غیرعقلانی

به حافظه و ذهن خود وارد می‌کرده‌اند.

استقرار عقلانیت، تنها راه اصلاح امور

ظاهراً اذهان ایشان را از نیروی تفکر خلاق خالی کرده است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد: دست‌اندرکاران تهیه این برنامه‌ها دیگر قادر نیستند تا با ایجاد تغییر نگرش اساسی در جهت اصلاح عملکرد، زمینه‌ای فراهم نمایند تا خودشان و سیستم زخم خورده ورزش مملکت، از گردش به دور این حلقه باطل رهایی یابند. چاره چیست؟ چه باید کرد؟ امیدوار است این بار فارغ از سیاست‌گذاری‌های عزیزان به اصلاح حافظه‌های حراف، با استمداد از متفکران و صاحب‌نظران دلسوز جامعه و با عقب‌گرد از (شاه) راه تنگ و مسدود، صدا و سیما بتواند در سایه الطاف خداوندی و در راستای خدمت به وطن آن سازمان و تشکیلات ورزش مملکت را به مسیرهای مطلوب راهنما شود.



تلویزیون در جهت دهی اصلاحات اجتماعی داشت، متأسفانه این سازمان با ارائه برنامه‌های ورزشی مبتذل، گمراه‌کننده و خالی از تفکر مانند افیونی سُکرآور و مُهلک، ذهن جوانان و حتی دست‌اندرکاران ورزش مملکت را به بیراهه سوق داده است. در واقع در این راستا این سازمان به گونه‌ای تیشه به ریشه زیر بنای ورزش اصیل ایرانی وارد نمود که ترمیم آن به سادگی امکان‌پذیر نمی‌باشد. درحالی که محیط‌های ورزشی سنتی ما ایرانیان مکان‌های مقدسی بود، در شرایط فعلی ریشه اخلاق ورزشی و منش پهلوانی در مملکت ما خشکیده است. در مورد محیط فوتبال قهرمانی کشور در مقیاس جهانی و معیارهای دنیای پیشرفته، وضعیت کشور ما متأسفانه رقت‌انگیز می‌باشد. درحالی که جرائم کوچک در محدوده میداین حرفه‌ای فوتبال قهرمانی دنیا با مجازات‌های بسیار سنگین برای مجرمین همراه می‌شود، لیکن دیده می‌شود که در

برای جوانان ما، حالت تخریبی نیز پیدا کرده است. ضمن اینکه جنبه‌های آموزشی این برنامه‌ها نیز وقتی کارساز می‌شود که: امکانات مناسب ورزش در اختیار جوانان قرار گرفته باشد.

کژ راهه ایکه به مرداب منتهی گردید "حلقه حافظه های حراف"

اینجانب به عنوان یک کارشناس مهندسی، پیش کسوت ورزشی و فعال اجتماعی که در این ۴۰ سال اخیر در کوران اکثر وقایع اجتماعی و فراز و نشیب‌های مملکت خودمان بوده‌ام، عمیقاً اعتقاد دارم که: تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در طول این ۳۰ سال بعد از انقلاب، بزرگترین خسارت جبران‌ناپذیر را به منافع ملت ایران وارد نموده است. در نامه‌ای انتقادی به مسئولین حکومتی دوران به اصطلاح اصلاحات که قسمتی از آن قبلاً چاپ شد نوشتم: تلویزیون ایران: تیغی در دست زنگیان و خاری در